جنگ، غيرنظاميان و حقوق بشردوستانه در اسلام

عوض نگهدارى

(دانشجوى كارشناسى ارشد حقوق عمومى)

چكيده

حقوق بشردوستانه يكى از مباحث مهم حقوق بين‌الملل و مورد تأكيد اديان آسمانى بخصوص دين اسلام است. تبيين ابعاد گوناگون اين مسئله، در گسترش اصول حقوق بشردوستانه نقش بسيار سازنده‌اى دارد. تأمين صلح و همزيستى مسالمت‌آميز و بهره‌مندى از اصول حقوق بشردوستانه بين‌المللى، بدون استمداد از دين اسلام ممكن نيست.

در اين پژوهش اصول و قواعد اساسى محدودكننده جنگ در مورد اشخاص، بيان شده است؛ چه اينكه، اسلام براى خود جنگ ـ هرگاه در مواقع ضرورت اتفاق افتد ـ قانون مفصلى بر پايه عدل، رحمت و رعايت حقوق انسانيت تنظيم كرده است. پيامبر گرامى صلى‌الله‌عليه‌و‌آله از قتل زنان و كودكان نهى كرده است، مگر اينكه اين عده مشغول جنگيدن باشند، و حتى حضرت اميرالمؤمنين على عليه‌السلام از سربازان خويش مى‌خواهد حتى اگر زنان دشمن، به شما دشنام دادند و آبروى شما را ريختند، خويشتن‌دارى نماييد و از آسيب جسمى و روحى به آنان خوددارى كنيد.1

افراد سالخورده از مصونيت جنگى برخوردارند. بيماران، مجروحان، نابينايان و افراد افليج نيز از مصونيت جنگى بهره‌مند مى‌باشند. «روحانيان و عبادت‌كنندگان» كه از جبهه جنگ بركنار هستند و در كارزار نظامى مشاركت ندارند داراى مصونيت هستند. همچنين نمايندگان و پيام‌آوران و پيك‌ها هرچند از اتباع كشور درگير در جنگ هستند داراى مصونيت مى‌باشند و در نهايت، اسلام درباره «حقوق اسيران» توصيه‌هاى مبتنى بر رحمت و محبت و ايثار نموده است.

كليدواژه‌ها: همزيستى مسالمت‌آميز، همزيستى مذهبى، صلح، جنگ، حقوق بشردوستانه، اصول و قواعد غيرنظاميان.

مقدّمه

حقوق بشر دوستانه يكى از مباحث مهم حقوق بين‌الملل و مورد تأكيد اديان آسمانى، بخصوص دين اسلام است. تبيين و تشريح ابعاد گوناگون اين مسئله، در گسترش اصول حقوق بشردوستانه، نقش بسيار سازنده‌اى دارد، و در اين ميان، بيان ديدگاه اسلام حايز اهميت است و مى‌تواند در روند تكاملى آن مفيد و مؤثر باشد. تجربه نيم قرن سازمان ملل متحد ثابت كرد كه تأمين صلح و تنظيم عادلانه روابط بين‌المللى و نيز تأمين اصول حقوق بشردوستانه، بدون استمداد از دين، بخصوص دين اسلام ممكن نيست. اصول و تعاليم دين اسلام كه پيروان خويش را بدان فرا مى‌خواند، و اينكه نقض آن را مستوجب كيفر دنيوى و اخروى مى‌داند، بهترين مؤيد اين مسئله است. شريعت اسلام در بردارنده عالى‌ترين قوانينى است كه انسان‌ها مى‌توانند در پناه آن سعادتمندانه زندگى كنند.

از گذشته تاكنون، جهان شاهد جنگ‌ها و آثار مخرّب آن، بخصوص نسبت به افراد غيرنظامى بوده است. اسلام براى خود جنگ نيز برنامه قانونى مفصلى بر پايه عدل، رحمت و رعايت حقوق و شئون انسانيت تنظيم كرده است. در قرآن كريم به صورت مكرّر بر رعايت عدالت و تجاوز نكردن از حدود معقول انسانى در مقابل دشمنان تأكيد شده است. برخى از تعاليم گسترده اسلام در مورد اشخاص و افرادى است كه در جنگ و نبرد شركت نكرده‌اند و يا در حال حاضر درگير نيستند. به عبارت ديگر، براى افراد غير نظامى، خواهان امنيت و سلامتى كامل شده است.

در جهاد اسلامى افراد غير رزمنده دشمن، مادام كه در فعاليت‌هاى جنگى مؤثر نيستند از مصونيت برخوردارند،

لكن رزمنده دشمن تنها در مورد كسانى صدق نمى‌كند كه سلاح به دست و جزئى از ارتش منظم دشمن مى‌باشند، بلكه شامل كليه كسانى مى‌شود كه به نحوى در پيشبرد جنگ به نفع دشمن مؤثر باشند، هرچند كه سلاح در دست نداشته باشند.

ولى كليه كسانى كه از اعمال خصمانه جنگى خوددارى مى‌كنند، به لحاظ اينكه در جنگ شركت ندارند غير رزمنده محسوب شده و حقوق آنان محترم شمرده مى‌شود. تعداد و مشخصات اشخاص غيررزمنده دشمن به نوعى بستگى به تصميمات جنگى دشمن دارد كه چگونگى سازمان‌دهى نيروهاى مسلح و سياست‌هاى دفاعى او مى‌تواند در اين زمينه، نقش تعيين‌كننده داشته باشد. براى مثال، مى‌توان به قانون دولت فرانسه در سال 1938 م. در مورد سازمان‌دهى عمومى ملت براى جنگ اشاره كرد كه در ماده اول آن چنين آمده بود:

تمام فرانسويان و تابعين فرانسه قطع‌نظر از سن و جنس آنان، موظفند در دفاع از كشور و يا در حفظ و نگه‌دارى حيات مادى و معنوى آن شركت نمايند.2

بدين‌ترتيب، در قانون داخلى يك كشور تعريف موسّعى از رزمنده به عمل مى‌آيد كه مى‌تواند در صورتى كه اقدامات مسلحانه رزمندگان جنبه دفاع مشروط نداشته باشد مستندى براى دشمن در زمينه كيفيت و ميزان رعايت حقوق غيررزمنده مؤثر باشد.

در ديدگاه اسلامى، هرگاه مردم يك سرزمين اشغال نشده و مورد تجاوز قرار نگرفته، به ناحق بر عليه نيروهاى مسلح دولت و ملت ديگرى برخيزند و با حمل اسلحه و به كار گرفتن سلاح‌هاى جنگى دست به اقدامات مسلحانه بزنند، محارب محسوب مى‌شوند و از شمول مقررات مربوط به غير نظاميان خارج مى‌گردند.3

بنابراين، افرادى كه در حقيقت نظامى نبوده، يا دلايلى بر نظامى بودن آنان وجود نداشته باشد، مورد حمايت قرار مى‌گيرند و جنگ‌جويان حق تعرض به آنان را ندارند؛ زيرا پيامبر گرامى صلى‌الله‌عليه‌و‌آلهفرمودند:

پيران، زنان، اطفال، عابران و رهبانان را كه در غارها و بيغوله‌ها زندگى مى‌كنند، به قتل نرسانيد.4

شبيه اين حديث، از امام صادق عليه‌السلام نيز نقل شده است. اين دستور صريح اسلام است، البته افراط و تفريط‌هاى مسلمانان را كه گاه در برخى جنگ‌ها گزارش شده است نبايد به حساب اسلام گذاشت.

از ديد فقيهان مسلمان نيز، اصل حمايت از افراد غيرنظامى به اجماع و اتفاق مورد تأكيد قرار گرفته است. صاحب جواهرالكلام مى‌نويسد:

... كسى از فقها را سراغ ندارم كه با اين مسئله مخالف باشد، و علّامه حلّى در كتاب‌هاى تذكره و منتهى بر آن ادعاى اجماع كرده... و حديثى از امام صادق عليه‌السلام در اين خصوص نقل مى‌كند.5

نتيجه آنكه، از ديدگاه اسلام، دشمنان به عنوان انسان‌هايى كه قابليت هدايت و سوق به سوى حق و حقيقت را دارند به حساب مى‌آيند. از سوى ديگر، در زمان جنگ، دشمنان از دو گروه متمايز تشكيل مى‌شوند. دسته‌اى نظاميان و كسانى كه مستقيما و به گونه فعالى در جنگ مشاركت دارند و دسته ديگر كه به هيچ وجه دخالتى در جنگ ندارند كه معمولاً زنان، كودكان و مردان سالخورده را تشكيل مى‌دهند. اسلام براى افرادى از دسته نخست كه تسليم شده يا زخمى گرديده و يا اسير گشته‌اند، حقوق خاصى را شناخته است. از اين‌رو، اسلام مردانه جنگيدن را ترغيب و خيانت و شكنجه دادن و آزار روانى و بدنى نسبت به دشمن (بخصوص پس از خاتمه جنگ) را منع مى‌كند.

حمايت از نيروى غيرنظامى

چگونگى حفاظت از افراد غيرنظامى به معناى كنترل فعاليت‌هاى نظامى عليه دشمن به منظور آسيب نرسيدن به افراد غيرنظامى، امرى بسيار حساس و اصولاً نيازمند يك سلسله تدابير فنى و وسايل دفاعى و امنيتى است كه در شرايط گوناگون به صورت‌هاى متفاوت مورد لزوم قرار مى‌گيرد.

براى مثال، وسايلى مانند: ماسك‌هاى ضد گاز، پناهگاه‌هاى قابل اطمينان، حفاظت‌هاى ويژه در برابر بمباران‌هاى اتمى و تشعشعات ناشى از آن، آذوقه و مواد غذايى، عوامل تسكين روانى، انواع وسايل حمل و نقل و امكانات بهداشتى و درمانى و در نهايت، جمعيت‌هاى حقوقى براى تأمين حفاظت از افراد غيرنظامى توسط هر دولتى نسبت به اتباع خود اجتناب‌ناپذير است.

ظرافت و دشوارى اين نوع اقدامات حفاظتى هنگامى آشكارتر مى‌گردد كه به اين نكته نيز توجه داشته باشيم كه معمولاً پيش‌بينى شيوه‌هاى حملات دشمن امكان‌پذير نيست و براى انتخاب راه‌هاى دفاعى هم فرصت زيادى وجود ندارد و از سوى ديگر، انتخاب نوع سلاح و كنترل مقابله به مثل‌ها نيز به نوبه خود از مشكلات نامرئى در اقدامات مؤثر براى حفاظت افراد غيرنظامى به شمار مى‌آيد.

به نظر چنين مى‌رسد كه در عمليات رزمى جهادى آن‌قدر كه انديشه و تعقّل به كار مى‌آيد ساز و برگ جنگى و سلاح‌ها كارايى ندارند و كاربرد وسايل جنگى نيز بايد با دقت كامل كنترل شود كه اقدامى جهت مخالف اهداف جهاد انجام نگيرد. منظور از انديشه و تعقّل تنها تدبير و مديريت جنگ نيست، بلكه آن عقلانيت بشردوستانه است كه خشونت را با ظريف‌ترين و عاطفى‌ترين مسائل انسان دوستانه همراه و همسو مى‌گرداند و به خشونت جهت انسانى مى‌دهد.

اين نوع مشكلات اصولى كه امروزه در مورد جهاد پيش مى‌آيد، ناشى از آن است كه وسايل جنگى و سلاح‌هاى موجود در جهان، مبتنى بر اصول انسان دوستانه طراحى و توليد نشده‌اند. انگيزه‌ها و هدف‌ها در توليد انبوه سلاح‌هاى كشنده و مخرّب هولناك و زرادخانه‌هاى كشورهاى صاحب تكنولوژى اتمى انباشته شده آن‌گونه كه از سابقه تاريخى آن در جنگ‌هاى جهانى معلوم مى‌گردد صرفا براى كشتار به هر نوع و تخريب به هرگونه است.6

اصل و قاعده در مورد غيرنظامى‌ها

اصولاً ديدگاه اسلام، كاهش آثار شوم جنگ‌ها و برداشتن گام مؤثر در حذف جنگ است. علاوه بر اين، يكى از اصول مهم محدودكننده جنگ، اين اصل است كه كسى كه در جنگ مشاركت ندارد و يا حتى در جنگ حضور دارد، ولى كار مطبوعاتى و خبرنگارى انجام مى‌دهد، و به طور كلى، تمام كسانى كه در تقويت نظامى دشمن هيچ كمكى نمى‌كنند، از آسيب و تعرض مصون مى‌باشند و حتى در مبارزه با دشمن، بايد به گونه‌اى عمل كرد كه افراد حاشيه‌اى و غير مربوط به جنگ، از حمايت‌هاى ويژه برخوردار شوند.

در متون اسلامى به مصونيت افراد غيرنظامى تصريح شده است. حضرت اميرالمؤمنين عليه‌السلام خطاب به معقل بن قيس كه به عنوان فرمانده، مأموريت جنگى به عهده داشت، فرمود:

«اِتَّقِ اللّهَ... و لا تقاتِلنَّ اِلاّ مَن قاتَلَكَ»؛7 از خدا بترس؛ جز با كسى كه با تو پيكار كند، پيكار نكن.

منظور از غيرنظامى‌ها، افرادى مانند زنان، كودكان، پيران و... هستند كه توضيح بيشتر در مورد هر يك از آنان در ادامه خواهد آمد. از اين‌رو، فقيهان اسلامى، اعم از شيعه و سنّى يك «قاعده فقهى» تأسيس كرده‌اند كه بر اساس اين قاعده فقهى، افراد غيرنظامى كشته نمى‌شوند:

«لا يُقتَل غيرُ القاتلِ»؛8 غير قاتل، كشته نمى‌شود.

فقيهان اهل‌سنّت در اين باب گفته‌اند: «لا يُقتَل غيرُ المُقاتِل»؛9 غير جنگجوها، نبايد كشته شوند.

همان‌گونه كه پيش‌تر بيان شد، از نظر فقيهان اسلامى، اصل حمايت از افراد غيرنظامى، يك امر قطعى و خدشه‌ناپذير است، به گونه‌اى كه صاحب جواهر در اين‌باره، ادعاى اجماع و اتفاق مى‌كند و مى‌گويد: كسى از فقيهان شيعه سراغ ندارم كه با اين مسئله مخالف باشد.10

مصونيت شهروندان غيرنظامى دشمن در سرزمين مسلمانان

بخشى از غيرنظاميان دشمن، كسانى هستند كه در كشور اسلامى سكونت مى‌كنند. اين افراد همانند بقيه غيرنظاميان دشمن، از مصونيت برخوردارند. اصول حقوق بين‌الملل و ديدگاه اسلام در اين‌باره يكسان است، با اين تفاوت كه از ديدگاه اسلام، اين عده از مصونيت بيشترى بهره‌مند مى‌باشند.

توضيح آنكه بر اساس ماده 42 كنوانسيون 1949 ژنو در رابطه با حمايت از شهروندان غيرنظامى در اثناى جنگ هيچ دولتى كه در حال جنگ با دولت ديگر است نمى‌تواند آن دسته از تبعه دشمن را كه در كشور وى به سر مى‌برند به عنوان اسير جنگى گرفته و يا آنها را به اقامت اجبارى در كشور وادار نمايد، مگر در شرايط اضطرارى كه امنيت كشور و بقاى دولت ايجاب مى‌كند. ولى با شروع جنگ، دولت مى‌تواند اتباع دولت متخاصم را از كشور خود اخراج نمايد و اموال و امكانات آنها را تا پايان جنگ تحت كنترل درآورد، در صورتى كه طبق مقررات جهاد، كليه اتباع دشمن در دارالاسلام، مستأمن يا ذمى محسوب مى‌شوند، مى‌توانند مادام كه شرايط لازم را رعايت كرده‌اند در مصونيت و تحت حمايت دولت اسلامى باشند. اين مصونيت و حمايت شامل اموال و ساير حقوق سياسى و مدنى نيز مى‌گردد، مگر آنكه در پوشش مصونيت و حمايت دولت اسلامى از امكانات و اموال خود به نفع دشمن استفاده نمايند.11 بنابراين، هرگاه شرايط ذمه توسط اتباع دشمن در دارالاسلام رعايت نشود از مصونيت و حمايت دولت اسلامى برخوردار نخواهند بود.

حمايت از غيرنظاميان بر اساس حقوق بشردوستانه بين‌الملل

1. در هنگام جنگ بايد ميان رزمندگان و غيرنظاميان تفاوت قايل شد. غيرنظاميان نبايد هدف عمليات نظامى واقع شده و قربانى جنگ باشند.

2. طرفين مخاصمه نه تنها بايد ميان جمعيت غيرنظامى و رزمندگان تفكيك قايل شوند، بلكه ميان اموال متعلق به غيرنظاميان و اهداف نظامى نيز بايد فرق بگذارند. اين به آن معناست كه نه تنها غيرنظاميان بايد مورد حمايت قرار گيرند، بلكه كالاهاى موردنياز براى ادامه حيات آنها (غذا، دام، تأسيسات مربوط به آب آشاميدنى و مانند آنها) نيز مورد حمايت واقع شوند.

3. حملات و تهديدهايى كه هدف اصلى آن اشاعه ترور و وحشت ميان جمعيت غيرنظامى است، رسما ممنوع است.

4. حملاتى كه آثار آن به يك هدف خاص نظامى محدود نمى‌شود، يا هدف نظامى را دنبال نمى‌كند، ممنوع است (بمباران گسترده و مستمر).

5. تحت هيچ شرايطى نبايد از غيرنظاميان براى جلوگيرى از حمله به نقاط خاص و مناطق و اهداف نظامى استفاده كرد.

6. هرگونه حمله به بناهاى تاريخى، آثار هنرى يا عبادتگاه‌ها و استفاده از چنين اهدافى براى حمايت از اقدامات نظامى مطلقا ممنوع است.

7. تخريب تأسيسات داراى نيروهاى خطرناك (سدهاى توليدكننده نيروى برق و نيروگاه‌هاى هسته‌اى) كه مى‌تواند تلفات غيرنظامى زيادى به همراه داشته باشد ممنوع است. ضمن اينكه طرف‌هاى مخاصمه نبايد اهداف نظامى را در كنار چنين تأسيساتى قرار دهند.

8. مناطق خاصى را مى‌توان در نظر گرفت كه حمله به آن مطلقا ممنوع است. بيمارستان و مناطق و مكان‌هاى امنى را مى‌توان در زمان صلح در نظر گرفت كه از افراد تحت‌حمايت را در خود جاى‌دهد. مناطق غيرنظامى را نيز مى‌توان در زمان صلح در نظر گرفت كه نتوان با استفاده از نيروى نظامى‌از آن دفاع‌كرده و يا موردحمله‌قرار گيرد.12

آداب جنگيدن

در ذيل در مورد افرادى سخن گفته خواهد شد كه وضعيت آنان با افراد رزمنده و جنگ‌جويان متفاوت بوده و ضرورت دارد از آنان حراست و حفاظت كامل صورت پذيرد.

1. اطفال تبعه دشمن

كودكان و نوجوانان معمولاً در جنگ‌ها و نزاع‌ها بسيار آسيب‌پذير بوده و بيشترين صدمات جسمى و روحى متوجه آنان خواهد بود. اين مسئله هنگامى كه جنگ‌ها و نزاع‌ها به شهرها و محله‌ها كشانده مى‌شود، بيشتر نمايان است. از ديدگاه اسلام، اين كودكان هر چند وابسته به دشمن و از اتباع دشمن هستند، ولى داراى مصونيت مى‌باشند. در اين مورد از پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله و اهل‌بيت او دستور صريح مبنى بر نهى صريح از كشتن اطفال دشمن رسيده است:

... لاَنّ رسولَ اللّه صلى‌الله‌عليه‌و‌آله نهى عن قتل النساء و الوالدان فى دار الحرب اِلاّ اَن يقاتلن»؛13 همانا رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌و‌آله از قتل زنان و كودكان در دارالحرب نهى كرده است، مگر اينكه اين عده مشغول جنگيدن باشند.

با توجه به آنچه گذشت، كودكان از مصونيت كامل بهره‌مند هستند، مگر هنگامى كه اين كودكان در پيشبرد جنگ مؤثر باشند و همانند اتباع دشمن، مشغول جنگيدن و كارزار نظامى باشند.

در اينجا به يك رفتار پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله اشاره مى‌كنيم:

پس از يكى از حادثه‌ها به پيامبر صلى‌الله‌عليه‌و‌آله گزارش دادند كه دخترى را از ميان صف‌ها كشته‌اند. پيامبر صلى‌الله‌عليه‌و‌آلهشديدا ناراحت شد. اصحاب عرض كردند: يا رسول اللّه! چرا ناراحت شديد، او دختر يكى از مشركان و كفار بود. پيامبر از شنيدن اين حرف خشمناك شد و فرمود: اين حرف چه معنى دارد؟ اينها از شما بهترند؛ زيرا اينها هنوز بر فطرت پاك خود هستند؛ مگر شما فرزندان مشركان نبوديد؟ هرگز كودكان را نكشيد، هرگز، هرگز.14

حمايت از كودكان در اصول حقوق بشردوستانه: پروتكل الحاقى 1977 سازمان ملل متحد درباره حمايت از كودكان هنگام جنگ اعلام مى‌كند كه كودكان بايد مورد احترام خاص قرار گرفته و از آنها در برابر هر شكل از حمله ناشايست حمايت شود. آنها بايد مراقبت و كمكى را كه خواه به علت سن و يا به هر علت ديگر به آن نياز دارند دريافت كنند. همه اقدامات ممكن بايد انجام شوند تا از شركت كودكان زير 15 سال در درگيرى‌ها جلوگيرى شود و اگر آنها در نتيجه جنگ يتيم شده يا از خانواده خود جدا بشوند، براى تضمين اينكه به حال خود رها نشوند، بايد اقدامات لازم به عمل آيد تا آموزش آنها در هر حال تسهيل شود. در صورت دستگيرى كودكان، آنها بايد در محلى جدا از بزرگ‌سالان نگه‌دارى شوند، مگر آنكه خانواده‌هايى به عنوان واحد خانوادگى اسكان داده شده باشند. مجازات مرگ نبايد در مورد اشخاصى كه در زمان ارتكاب جرم كمتر از 18 سال داشته‌اند اجرا شود.

هيچ‌يك از طرف‌هاى درگيرى ترتيب انتقال كودكانى غير از اتباع خود را به يك كشور خارجى نخواهد بود، مگر آنكه دلايل ضرورى براى اين كار وجود داشته باشد. هرگاه انتقال انجام شود، بايد همه اقدامات لازم براى تسهيل بازگشت كودكان به خانواده و كشورشان انجام شود.15

2. زنان

زنان نيز وضعيتى مشابه كودكان دارند و در جنگ‌ها، بخصوص جنگ شهرها، بيشترين آسيب متوجه آنان است. از اين‌رو، همانند كودكان داراى مصونيت مى‌باشند. چنين مسئله‌اى در روايات اسلامى و گفتار فقيهان اسلامى مورد تأكيد قرار گرفته است. استثنايى كه در مورد كودكان بيان شد، در اينجا هم قابل طرح و بيان است. به عبارت ديگر، چنانچه، زنان همانند ساير جنگ‌جويان و افراد نظامى در صحنه جنگ و كارزار به فعاليت بپردازند، همانند افراد نظامى بوده و از مصونيت بهره‌اى ندارند. در يك مورد، زن يهودى كه اقدام به قتل مرد مسلمانى نموده بوده، در حمله تلافى‌جويانه به امر پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله به قتل رسيد،16 ولى به نظر مى‌رسد كه دستور پيامبر صلى‌الله‌عليه‌و‌آله در اين مورد به خاطر نقض پيمان از طرف بنى‌قريظه بوده كه موجب شده كه آنان از امان و حمايت مسلمانان خارج شوند، و يا در برابر قتلى كه زن انجام داده قصاص گرديده است.

با اين حال، در برخى تعاليم اسلامى، مصونيت ويژه‌اى را براى زنان قائل شده‌اند. برخى از فقيهان شيعه در مورد جواز كشتن زنان در جنگ حتى در صورتى كه در جبهه شركت كرده و رزمندگان خود را يارى بدهند و عليه مسلمانان وارد عمليات شوند ترديد كرده و بسيارى به صراحت آن را رد كرده‌اند. صاحب جواهر در اين‌باره چنين مى‌نويسد:

«و لا يجوز قتل المجانين و لا الصبيان و لا النساء منهم و لو عاونّهم اِلاّ مع الاضطرار، بلا خلاف اجده فى شى‌ءٍ مِن ذلك، بل فى المنتهى الاجماع عليه فى النساء والصبيان»؛17 جايز نيست ديوانگان، كودكان و زنانِ اتباع دشمن كشته شوند، گرچه اين عده، اتباع دشمن را يارى رسانند، مگر در هنگام اضطرار. در اين مسئله از هيچ‌يك از فقيهان، نظر مخالفى دريافت نكردم، بلكه علّامه حلّى در كتاب المنتهى در مورد عدم جواز قتل زنان و كودكانِ اتباع دشمن ـ حتى اگر در كارزار نظامى هم شركت داشته باشند ـ ادعاى اجماع كرده است.

صاحب جامع‌المقاصد، كلامى شبيه علّامه حلّى دارد و حتى وى مصونيت را در محدوده گسترده‌ترى مورد توجه قرار داده است. از نظر وى، ديوانگان، كودكان، زنان، پيرمردان و افراد خنثاى مشكل حتى اگر در جنگ شركت داشته باشند، نمى‌توان آنان را به قتل رساند. وى مى‌گويد:

«لا يجوز قتل المجانين، و لا الصبيان، و لا النساء منهم و ان اَعَنَّ اِلاّ مع الحاجة و لا الشيخ الفانى و لا الخنثى المشكل و يقتل الراهب و الكبير ان كان ذا رأى او قتالٍ»؛18 جايز نيست ديوانگان، كودكان و زنانِ اتباع دشمن را به قتل رساند، و اگر چه اين عده دشمن را يارى مى‌رسانند. همچنين پيرمرد فرتوت و خنثاى مشكل ـ حتى اگر در پيش‌برد جنگ مشاركت داشته باشند ـ كشته نمى‌شوند. البته روحانى و پيرمردى كه داراى انديشه و رأى جنگى هستند ـ و از اين طريق ديگران را به جنگ ترغيب مى‌كنند ـ و يا آنكه خودشان در جنگ شركت دارند كشته مى‌شوند.

دليل مطلب مزبور برخى روايات اسلامى است؛ از جمله روايتى از امام صادق عليه‌السلام كه آن حضرت از پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله نقل كرد كه فرمود:

حتى اگر زنى در جنگ شركت كند تو از كشتن وى، تا مى‌توانى چشم‌پوشى كن.19

«... لانّ رسول اللّه صلى‌الله‌عليه‌و‌آله نَهى عن قتل النساء و الوالدان فى دارالحرب اِلاّ ان يقاتلن، فانْ قاتلن ايضا فَاَمسِك عنها ما امكنك و لم تخف خللاً...»؛20 همانا رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌و‌آله از كشتن زنان و كودكان در دارالحرب نهى كرده است، مگر آنكه آنان وارد كارزار نظامى شوند، حتى اگر آنان وارد جنگ شده‌اند تا آنجايى كه مى‌توان مدارا كن ـ و از كشتن آنان پرهيز كن ـ و در اين مسئله چيزى تو را نترساند.

نمونه ديگرى از رفتار پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله را بيان مى‌كنيم:

آن حضرت چون از غزوه حُنين باز مى‌گشت، زنى را كشته ديد، فرمود: اين را كى كشته است؟ گفتند: خالد بن وليد، فرمود: او را بگوييد كه پيامبر تو را نهى مى‌كند از آنكه كودكى يا زنى يا مزدورى از آن كافران را بكشى.21

در باب آداب جنگيدن به اين فراز تاريخى توجه كنيد:

از عبدالرحمان بن عائذ نقل شده است كه پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله، هرگاه گروهى را روانه مى‌كرد، بدان‌ها مى‌فرمود: «با مردم الفت ورزيد و مدارا كنيد و هنگام فراخوانى، با ايشان تندى مكنيد. اگر انسان‌هاى روى زمين، خواه شهرنشينان و خواه باديه‌نشينان را به اسلام گرايش دهيد، براى من دوست داشتنى‌تر از اين است كه فرزندان و زنان آنها را به اسارت نزد من آوريد و مردانشان را بكشيد.»22

در تاريخ طبرى و سيره ابن هشام مى‌خوانيم:

گروهى از انصار كه از خزرج بودند، از پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله اجازه خواستند ابن ابى‌الحقيق را در خيبر بكشند. پيامبر بدانان رخصت داد و عبداللّه بن عتيك را به فرماندهى آنان برگزيد و ايشان را از كشتن كودك و زن نهى كرد.23

حضرت اميرالمؤمنين على عليه‌السلام به رعايت اصول انسانى در جنگ تأكيد مى‌فرمود كه از جمله آن، پرهيز از آزار زنان است. جالب آنكه، آن حضرت از پيروان و سربازان خويش مى‌خواهد حتى اگر زنان دشمن به شما دشنام دادند و آبروى شما را ريختند، خويشتن‌دارى نماييد و از آسيب جسمى و روحى به آنان خوددارى نماييد:

با دشمن جنگ را آغاز نكنيد تا آنها شروع كنند؛ زيرا بحمداللّه حجت با شماست، و آغازگر جنگ نبودتان، تا آنكه دشمن به جنگ روى آورد، حجت ديگر بر حقانيت شما خواهد بود. اگر به اذن خدا، شكست خوردند و گريختند، آن كس كه پشت كرده نكشيد، و آن را كه قدرت دفاع ندارد آسيب نرسانيد، و مجروحان را به قتل نرسانيد.

زنان را با آزار دادن تحريك نكنيد هر چند آبروى شما را بريزند، يا اميران شما را دشنام دهند، كه آنان در نيروى بدنى و روانى و انديشه كم‌توانند، در روزگارى كه زنان مشرك بودند مأمور بوديم دست از آزارشان برداريم، و در جاهليت اگر مردى با سنگ يا چوب دستى، به زنى حمله مى‌كرد، او و فرزندانش را سرزنش مى‌كردند.24

رعايت حقوق بشردوستانه بين‌الملل در مورد زنان و خانواده

الف. حمايت از زنان

زنان بايد مورد احترام خاص قرار گرفته و از آنها در برابر هرگونه حمله ناشايست حمايت شود. به وضعيت زنان باردار و مادرانى كه داراى فرزندان وابسته به خود هستند و به دلايل مربوط به درگيرى مسلحانه بازداشت شده‌اند، با حداكثر اولويت رسيدگى شده و در صورت صدور حكم اعدام براى آنها اين حكم اجرا نخواهد شد.

بخصوص از زنان بايد در برابر هرگونه حمله ناشايست حمايت شود. زنان بايد در برابر هرگونه حمله به حيثيتشان بخصوص در برابر تجاوز، فحشاى اجبارى يا هر شكل ديگرى از حمله ناشايست حمايت شوند. در صورت نقض اين قواعد، دولت مربوطه مسئول خواهد بود.25

ب. حمايت از خانواده

كليه اعضاى كنوانسيون‌ها و پروتكل اول، بايد به هم پيوستن مجدد خانواده‌هايى را كه اعضاى آنها از هم جدا شده‌اند تسهيل كرده و كار سازمان‌هاى بشردوستانه دخيل در اين وظيفه را ترويج كنند.

بخصوص، هر يك از طرف‌هاى درگيرى بايد جست‌وجوهايى را كه اعضاى خانواده‌هاى متلاشى شده به دليل جنگ، براى برقرارى تماس با همديگر و در صورت امكان براى ملاقات با هم به عمل مى‌آوردند، تسهيل كنند.

هر شخصى كه در خاك يكى از طرف‌هاى درگيرى يا سرزمين‌هاى اشغال شده توسط آن طرف باشد، مى‌تواند اخبارى را كه صرفا جنبه شخصى داشته باشد به اعضاى خود در هر كجا كه باشند بدهد و اخبارى از آنها دريافت كند.26

3. پيران

پيران و افراد سالخورده همانند كودكان و زنان، در كارزارهاى نظامى و ميادين جنگى، بيشترين آسيب را متحمل مى‌شوند. از ديدگاه اسلام و به عنوان آداب جنگيدن، يا همان حقوق بشردوستانه، اين عده از مصونيت برخوردار بوده و هنگامى كه در جنگ و نزاع مسلحانه نقشى ندارند، نبايد آسيبى به آنان برسد. اين امر در روايات اسلامى و گفتار فقيهان اسلامى مورد تأكيد قرار گرفته است كه در مباحث پيشين گذشت. اما چنانچه در پيشبرد جنگ و كارزار نظامى نقش داشته باشند، خواه به عنوان نيروى رزمنده، يا به عنوان طراح نقشه‌هاى جنگى و مشاور امور نظامى، در اين صورت همانند ديگر اتباع جنگجوى دشمن بوده و از مصونيت جنگى بهره‌مند نخواهد بود. از اين‌رو، صاحب جواهرالكلام مى‌نويسد:

«نعم اذا كان ذا رأى و قِتالٍ، قُتِل اجماعا»؛27 آرى، چنانچه پيران ـ به عنوان مشاور يا طراح جنگى ـ داراى رأى و انديشه باشند ـ و از اين طريق در جنگ مشاركت فعال داشته باشند ـ به اجماع فقيهان اسلامى به قتل مى‌رسند.

به همين دليل بود كه پيرمرد كهنسالى به نام دريد بن صمه به دليل طراحى جنگ و نقش مؤثرى كه راهنمايى‌هاى وى براى دشمن داشت توسط مسلمانان به قتل رسيد و مورد اعتراض پيامبر صلى‌الله‌عليه‌و‌آله قرار نگرفت.28

4. بيماران، مجروحان، نابينايان و افليج‌ها

اين عده از افراد در رديف كسانى هستند كه از مصونيت جنگى برخوردار مى‌باشند. اين حق طبيعى آنان است كه از آسيب‌هاى جنگ و درگيرى‌هاى نظامى به دور باشند و بلكه بايد از آنان حمايت‌هاى ويژه نيز صورت پذيرد.

منظور ما از بيماران، مفهوم عام آن است، به گونه‌اى كه شامل زخمى‌هاى دشمن هم مى‌شود. زخمى‌هاى دشمن كه به دليل جراحت، قادر به جنگيدن نيستند، از هرگونه تعرض و آسيب نيروهاى نظامى در امان مى‌باشند و اين مسئله مورد سفارش پيشوايان اسلام بوده است.

لكن اين مصونيت و حمايت‌هاى ويژه مشروط بر آن است كه اين عده در وضعيت جديد در جبهه به نفع دشمن حضور و مشاركت جسمى و فكرى نداشته باشند؛ چه اينكه هرگونه مشاركت در كارزار نظامى، آنان را به عنوان يك سرباز دشمن قرار مى‌دهد. صاحب جواهر درباره مصونيت زمين‌گيرها و نابينايان چنين مى‌گويد:

«و يلحق به المقعد و الاعمى كما صرح به الفاضل، و سمعتُ ما فى خبر حفص، لكن ينبغى تقييد ذلك ايضا بما اذا لم يكونا ذا رأى فى الحرب و لم يقاتلاً و لم تدع الضرورة الى قتلهما كما اذا تترسوا بهما و نحوذ لك مما عرفته»؛29 از جمله افراد داراى مصونيت، زمين‌گيرها و نابينايان هستند، همان‌گونه كه فاضل بدان تصريح داشت و روايت حفص نيز بدان دلالت داشت، لكن سزاوار است اين حكم تقييد بخورد به آنجايى كه اين عده داراى انديشه جنگى نباشند و در جنگ نيز مشاركت نداشته باشند و نيز ضرورتى براى كشتن آنان وجود نداشته باشد، مثل آنجايى كه دشمن از اين عده به عنوان سپر جنگى استفاده كرده است.

حمايت‌هاى حقوق بشردوستانه نسبت به زخمى‌ها، بيماران و غريقان در دريا: مرگ سربازان زخمى در ميدان نبرد موجب شكل‌گيرى حقوق بشردوستانه بين‌المللى و از جمله كنوانسيون 1864م. «براى بهبود شرايط زخمى‌هاى نظامى در ميدان نبرد» گرديد. اين كنوانسيون براى نخستين بار در تاريخ بشريت مقرر مى‌دارد كه سربازان زخمى و بيمار در ميدان نبرد بايد بدون در نظر گرفتن تابعيتشان مورد مراقبت قرار گيرند. بعدها اين حمايت به سربازان زخمى، بيمار و كشتى‌شكستگان در نبردهاى دريايى گسترش پيدا كرد و در اولين و دومين كنوانسيون 1949م. مورد بازنگرى قرار گرفت، و در نهايت تصويب پروتكل‌هاى الحاقى 1977 م. تعهدات دولت‌ها را نسبت به غيرنظاميان بيمار، زخمى و كشتى‌شكستگان در شرايط و اوضاع مشابه گسترش داده است:

1. بايد از رفتار انسانى برخوردار شوند؛ بنابراين، رفتار غيرانسانى نظير شكنجه يا آزمايشات پزشكى نسبت به افراد مطلقا ممنوع است؛

2. بايد در برابر خطر و تهديدات بخصوص اقدامات تلافى‌جويانه، چپاول و غارت يا برخوردهاى سوء مورد حمايت قرار گيرند؛

3. به منظور حفاظت در مقابل آثار احتمالى مخاصمات، اين افراد بايد به سرعت پيدا گرديده و جمع‌آورى شوند؛

4. اين افراد بايد با توجه به شرايطى كه دارند در حداقل زمان ممكن و بدون اعمال تبعيض از مراقبت پزشكى برخوردار شوند. هيچ تبعيضى ميان آنها جز به دلايل پزشكى نمى‌تواند وجود داشته باشد و افراد به دليل تعلق به نيروى دشمن يا به دلايل تابعيت، جنس، نژاد يا مذهب نمى‌توانند مورد تبعيض واقع شوند؛

5. دولت‌ها ترتيبى اتخاذ نمايند كه واحدهاى پزشكى نظامى و غيرنظامى در هنگام مخاصمات به فعاليت بپردازند؛

6. دولت‌ها اعلام نمايند كه اين‌گونه خدمات بايد از هرگونه حمله‌اى مصون باشند، به گونه‌اى كه بتوانند در مناطق درگيرى انجام وظيفه نمايند. نيروهاى امدادى بايد بى‌طرف محسوب گشته و هرگونه حمله‌اى عليه آنها مطلقا ممنوع باشد؛

7. اقدامات مشابهى در مورد آمبولانس‌ها، بيمارستان‌ها و سرويس‌هاى پزشكى كه با علايم صليب سرخ يا هلال احمر به نحوى مشخص گرديده‌اند انجام شود؛

8. مناطق بيمارستانى و محل‌هايى براى مداواى زخمى‌ها و بيماران در مكان‌هاى امن را ايجاد نمايند، اين مقررات بايد در هنگام صلح و با توجه به موافقت‌نامه‌هاى لازم وضع گردد؛

9. پيش از شروع جنگ كشتى‌هايى را به عنوان كشتى‌هاى بيمارستانى براى استفاده جنگ در نظر بگيريد؛ چراكه اختصاص اين كشتى‌ها و تجهيز آنها در هنگام جنگ دشوار است؛

10. اقدامات مشابهى براى هواپيماهاى پزشكى انجام دهد.30

5. روحانيان و عبادت‌كنندگان

اين گروه نيز همانند افراد پيش‌گفته از مصونيت برخوردار هستند. مشروط بر اينكه از جبهه جنگ بركنار باشند و از نظر فكرى يا جسمى، در جنگ و كارزار نظامى مشاركت نداشته باشند.

از امام صادق عليه‌السلام روايت شده كه پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله، هرگاه فرماندهى را به جنگ اعزام مى‌فرمود، به يارانش توصيه‌هايىمى‌فرمود؛ از جمله اينكه: آنان را كه به صورت تارك دنيا، زندگى خويش را وقف عبادت نموده‌اند آزار نرسانيد.31

ابوبكر هنگامى كه معاذ را به يمن مى‌فرستاد درباره 10 چيز سفارش كرد و خواست تا آنها را به خاطر بسپارد. از جمله درباره «راهبان» چنين گفت:

تو با گروهى رويارو خواهى شد كه مى‌پندارند خويش را در صومعه، وقف خداوند كرده‌اند. پس آنان را با كارشان رها كن.32

سرخسى از فقيهان اهل‌سنّت درباره كلام مزبور چنين مى‌گويد:

ابويوسف و محمّد با استدلال به سخن مزبور گفته‌اند كه راهبان را نبايد كشت. از ابوحنيفه نيز چنين روايت شده است.

ابويوسف گفته است كه از ابوحنيفه در اين‌باره پرسيدم. او كشتن راهبان را جايز دانست. نتيجه آنكه اگر راهبان از كسانى باشند كه با مردم سر و كار دارند و آنها را در امر جنگ راهنمايى مى‌كنند، كشته مى‌شوند، اما اگر درهاى صومعه را به روى خويش بسته باشند، رها مى‌شوند، و مقصود از سخن ابوبكر همين است؛ زيرا آنچه قتل را مباح مى‌كند، ضررى است كه از لحاظ جنگ متوجه مسلمانان مى‌شود، اما اگر راهبى در را به روى خويش ببندد، چه مستقيم و چه غيرمستقيم براى مسلمانان زيانى ندارند، اما اگر اينان در جنگ، داراى ديدگاه باشند و از اين ديدگاه رأيى صادر كنند، به طور غيرمستقيم وارد جنگ شده‌اند و قتلشان جايز است.33

حمايت از معابد در اصول حقوق بشردوستانه بين‌الملل: از ديدگاه حقوق بشردوستانه بين‌المللى، اين‌گونه مكان‌ها از جمله مكان‌هاى غيرنظامى است كه نبايد مورد استفاده نظامى قرار گيرد:

هرگونه حمله به بناهاى تاريخى، آثار هنرى يا عبادتگاه‌ها و استفاده از چنين اهدافى براى حمايت از اقدامات نظامى مطلقا ممنوع است.34

6. نمايندگان و پيام‌آوران و پيك‌ها

افرادى كه به عنوان سفير، نماينده و پيام‌آور انجام وظيفه مى‌نمايند داراى مصونيت مى‌باشند. اين امر، پيش از آنكه يك امر شرعى و دينى باشد، يك مسئله عقلى و بديهى است؛ چه اينكه اين افراد به عنوان حاملان پيام‌ها و نامه‌ها هستند و در ايجاد تفاهم، صلح، مبادله اسرا و مباحث ديگرِ حقوق بشردوستانه نقش ارزنده‌اى ايفا مى‌كنند. منظور از سفير و پيام‌آور، كسى است كه مستقيما از ناحيه دشمن حامل پيغام و نامه است و داراى تابعيت دشمن مى‌باشند، وگرنه كسانى كه داراى تابعيت ثالث مى‌باشند و به عنوان يكى از طرفين نزاع و درگيرى محسوب نمى‌شوند، مصونيت‌اين عده، يك امربديهى‌وروشن‌است.

پس هرگاه سفير و نماينده دشمن از ناحيه فرمانده نظامى اجازه ورود پيدا كرد، و يا حتى در شرايط بحرانى اين عده بخواهند پيامى را برسانند، بايد از آسيب جنگ و تعرض مصون باشند.

از نظر اسلام، مصونيت اين افراد به نحو وسيع‌تر و ويژه مى‌باشد. به عبارت ديگر، هرگاه اين عده، مرتكب خطا و اشتباهى هم شده باشند بايد حتى‌الامكان از اشتباه آنان چشم‌پوشى كرد و از آزار و يا مجازات آنان خوددارى كرد.

در زمان پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آلهدو نفر به عنوان پيك يا نماينده بر آن حضرت وارد شدند. اين دو رفتارهاى خطاكارانه از خود نشان دادند. پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله از خطاى آنان چشم‌پوشى كرد و فرمود: اگر بنا بود كه من قاتل پيك و فرستاده باشم، شما دو نفر را به قتل مى‌رساندم؛ كنايه از اينكه، پيك و سفير، محترم بوده و نمى‌توان آسيب به آنان رساند. متن حديث اين است:

«لَوْ كُنتُ قاتلاً سِولاً لَضَربتُ عُنُقَكُما»؛35 اگر بنا بود [جايز بود ]كشتن سفير، به تحقيق گردن شما دو نفر را قطع مى‌كردم.

7. اسيران

براى شناخت ديدگاه اسلام نسبت به اسيران، نمى‌توان به چند سطر يا چند صفحه بسنده كرد. در اين باب بايد مقاله و حتى كتاب جداگانه‌اى نگاشته شود. در هر حال، اسير تا قبل از اسارت، مانند بقيه نيروهاى نظامى بوده و مبارزه با او شرعى و قانونى است. اما هرگاه، به دست سربازان، اسير گردد بايد نهايت محبت و رفتار انسانى را نسبت به او اجرا كرد. براى جلوگيرى از اطاله كلام، از ذكر آيات، روايات و شواهد تاريخى زندگى پيشوايان اسلام خوددارى مى‌شود. تنها به «امتيازهاى اسلام در مورد اسيران» اشاره مى‌شود:

1. نظام حقوقى اسلام، در باب اسير داراى سبقت تاريخى است؛ بدين معنا كه اسلام زمانى در مورد اسيران مراعات اصولى را به صورت قانون الزامى دانست كه در نقاط ديگر دنيا، مقررات حقوقى و قانونى در اين زمينه وجود نداشت، از اين‌رو، مى‌توان گفت: حقوق بين‌الملل در مورد اسيران و غير اسيران، تا حدود زيادى متأثر از نظام حقوقى اسلام بوده است. چنان‌كه در حقوق بشر و آزادى عقيده براى اقليت‌ها، و بلكه همه انسان‌ها، آنچه كه بعضى از فقهاى اهل‌سنّت بدان تصريح كرده‌اند، الگوى دانشمندان و به ويژه رهبران فكرى پروتستان، مقررات الهى اسلام بوده است.

بنابراين، گرچه جمعى از حقوق‌دانان، تنها از تأثر حقوق بين‌الملل از عقايد مذهبى و يهود و مسيحيت سخن گفته‌اند، يا كتاب‌هايى در اين زمينه تدوين كرده‌اند، ولى انصاف اين است كه همان‌گونه كه بعضى از حقوق‌دانان مسيحى نيز اعتراف دارند، تأثر حقوق بين‌الملل از آيين اسلام بيشتر بوده است.36

2. كشورها در گذشته‌اى نه چندان دور، در روابط با يكديگر، قانون مدوّنى نداشتند كه همگان خود را به آن ملزم بدانند، بلكه در اين روابط، بيشتر از شرايط و اوضاع اجتماعى و سياسى متأثر بودند، و مقرراتى هم كه در روابط با يكديگر به كار مى‌گرفتند، جنبه قانونى و حقوقى نداشت، بلكه به صورت قراردادهاى جزئى بين دو دولت و يا به عنوان اصول اخلاقى، مورد توجه بوده است؛ و از اين‌رو، برخى آن اصول را مراعات مى‌كردند، برخى بر مراعات آن اصرار نداشتند. شايد بتوان گفت كه اين مقررات اخلاقى و عرفى نيز براى اولين بار به خاطر تعاليم قرآن كريم شكل حقوقى و قانونى به خود گرفت و از ضمانت اجراى لازم برخوردار شد؛ چه اينكه اسلام بسيارى از اين دستورهاى بين‌المللى را به صورت واجب و حرام بيان داشته، پيروان اين آيين، خود را ملزم به مراعات آن مى‌دانند.

اما مقررات بين‌المللى در ساير نظام‌هاى حقوقى، به تدريج پس از پيدايش «جامعه ملل» و سپس «سازمان ملل متحد» شكل حقوقى و قانونى به خود گرفت، و كشورها با تصويب و امضاى اين مصوبات، به صورت قانونى، خود را ملزم به مراعات آن مى‌دانند؛ ولى متأسفانه همان‌گونه كه از ماده دوازدهم كنوانسيون ژنو به دست مى‌آيد، از نظر سازمان‌هاى بين‌المللى ـ كه بيشترين نقش را در ضمانت اجرايى حقوق بين‌الملل دارند ـ مواردى جز شكنجه و سخت‌گيرى‌هايى كه منجر به فوت يا بيمارى شديد اسيران گردد به عنوان تخلف مهم به شمار نمى‌آيد.37

بنابراين، در حال حاضر نيز مقررات بين‌المللى از ضمانت اجرايى كافى برخوردار نيست، در حالى كه در اسلام همه توصيه‌هاى اين نظام، از جانب مسلمانان، به عنوان فريضه الهى لازم‌المراعات مى‌باشد.

3. از ديدگاه اسلام گرفتن فديه مالى و پول در مقابل آزادى اسيران، بلامانع است، در حالى كه در كنوانسيون ژنو، آزادى اسيران در پايان جنگ بدون توجه به تعداد آنها و بدون چشم‌داشت مادى توصيه شده است. هر چند حذف فديه مالى در ظاهر گامى مثبت به نفع اسيران و حركتى در جهت اصول انسانى به نظر مى‌رسد، ولى دقت بيشتر نشان مى‌دهد كه اين كار در مجموع به نفع اسيران تمام نخواهد شد و جان آنها را بيش از پيش به خطر خواهد انداخت؛ چون كشور دستگيركننده اسير، اصرار فراوانى براى گرفتن اسير نخواهد داشت و براى اينكه خود را از مخارج مالى اسيران برهاند، از ابتدا سعى مى‌كند آنان را به قتل برساند.

4. نهايت ارفاقى كه در كنوانسيون ژنو براى حسن برخورد با اسيران توصيه شده، تأمين نيازهاى آنان در حد سربازان و مقامات نظامى كشور دستگيركننده مى‌باشد، در حالى كه اسلام از اين مرحله نيز فراتر رفته و در موارد بسيارى، رهبران اسلامى توصيه‌هاى بيشترى كرده و از مسلمانان خواسته‌اند كه اسيران را بر خود مقدّم بدارند.

«وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينا وَ يَتِيما وَ أَسِيرا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاء وَلَا شُكُورا» (انسان: 8و9)؛ و غذاى خود را با اينكه به آن علاقه (و نياز) دارند، به مسكين و يتيم و اسير مى‌دهند و مى‌گويند ما شما را به خاطر خدا اطعام مى‌كنيم و هيچ پاداش و سپاسى از شما نمى‌خواهيم.

گرچه اين مطلب تا اين مرحله، به صورت يك توصيه اخلاقى در تعاليم اسلام آمده است، ولى در كنوانسيون ژنو چنين توصيه‌اى نيز به چشم نمى‌خورد.

پى نوشت ها

1ـ نهج‌البلاغه، ترجمه محمّد دشتى، ن 14، ص 494.

2ـ ر. ك. شارل روسو، حقوق مخاصمات مسلحانه، ج 2، ص 83.

3ـ ر. ك. عبّاسعلى عميد زنجانى، فقه سياسى، تهران، اميركبير، 1377، ج 5، ص 230ـ231.

4ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، بيروت، دار احياءالتراث العربى، 1983، ج 97، ص 25 / شيخ عبّاس قمى، منتهى‌الامال، قم، هجرت، ج 1، ص 16.

5ـ محمّدحسن نجفى، جواهر الكلام، بيروت، داراحياء التراث العربى، ج 21، ص 73ـ74.

6ـ ر.ك. عبّاسعلى عميد زنجانى، پيشين، ج 5، ص 232ـ233.

7ـ نهج‌البلاغه، ترجمه محمّد دشتى، ن 12، ص 492.

8ـ ر. ك. محمّدصادق روحانى، فقه الصادق، ج 26، ص 10 / قطب راوندى، فقه القرآن، ج 2، ص 423 / سيد محمّدحسين طباطبائى، الميزان، قم، انتشارات اسلامى، ج 13، ص 90 / محمّدباقر مجلسى، مرآه‌العقول، بيروت، داراحياء التراث العربى، 1403، ج 26، ص 238.

9ـ ر. ك. بدايه‌المجتهد، ج 1، ص 371 / البحر الزخار، ج 5، ص 397/ البدايع، ج 7، ص 101، به نقل از: عبّاسعلى عميد زنجانى، پيشين، ج 5، ص 179.

10ـ محمّدحسن نجفى، پيشين، ج 21، ص 73ـ74.

11ـ ر.ك. عبّاسعلى عميد زنجانى، پيشين، ج 5، ص 179ـ180.

12ـ دبيرخانه كميته ملى حقوق بشردوستانه، رعايت حقوق بشردوستانه بين‌المللى، تهران، دبيرخانه كميته ملى حقوق بشردوستانه، 1383، ص 34.

13ـ شيخ حرّ عاملى، وسائل‌الشيعه، تهران، مكتبه‌الاسلاميه، 1403، ج 11، ص 47ـ48. نيز شبيه اين روايات: محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 97، ص 25.

14ـ محمّدرضا ضيايى بيگدلى، اسلام و حقوق بين‌الملل، تهران، گنج دانش، 1384، ص 149 / سيد قطب، زير بناى صلح جهانى، ص 321.

15ـ ر. ك. دبيرخانه كميته ملى حقوق بشردوستانه، قواعد اساسى كنوانسيون‌هاى ژنو 1949 و پروتكل‌هاى الحاقى، تهران، دبيرخانه كميته ملى حقوق بشردوستانه، 1383، ص 53ـ54.

16ـ شرح مسلم، ج 12، ص 48 / ابن قدامه، المغنى و الشرح الكبير، بيروت، دارالكتاب العربى، ج 8، ص 478، به نقل از: عبّاسعلى عميدزنجانى، پيشين، ج 5، ص 175.

17ـ محمّدحسن نجفى، پيشين، ج 21، ص 73ـ74.

18ـ على بن حسين كركى، جامع المقاصد، ج 3، ص 385.

19ـ شيخ حرّ عاملى، پيشين، ج 11، ص 48.

20ـ همان، ج 11، ص 48، ب 18، ابواب «جهاد العدو»، ح 1.

21ـ ر. ك. ابن هشام، سيرت رسول‌اللّه صلى‌الله‌عليه‌و‌آله، ترجمه و انشاى اسحاق‌بن محمّد همدانى، با تصحيح اصغر مهدوى، تهران، خوارزمى، 1361، نصف دوم، ص 926، به نقل از: محمّدرضا ضيايى بيگدلى، پيشين، ص 149 و ابن هشام، السيره النبويّه، ج بيروت، داراحياء التراث العربى، 1985م، ج 2، ص 457، به نقل از: سيد ابوالقاسم حسينى ژرفا، جهاد و حقوق بين‌الملل، قم، پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامى، ص 132.

22ـ سرخسى، شرح السير الكبير، ص 75، به نقل از: سيد ابوالقاسم حسينى، پيشين، ص 165.

23ـ محمّدبن جرير طبرى، تاريخ الرسل و الملوك، بيروت، روائع التراث العربى، ج 2، ص 496 / ابن هشام، السيرة النبويه، ج 2، ص 274، به نقل از: سيد ابوالقاسم حسينى، پيشين، ص 131.

24ـ نهج‌البلاغه، ن 14، ص 494.

25ـ ر.ك. دبيرخانه كميته ملى حقوق بشردوستانه، قواعد اساسى كنوانسيون‌هاى ژنو 1949 و پروتكل‌هاى الحاقى، ص 54ـ55 / همو، رعايت حقوق بشردوستانه بين‌الملل، ص 94.

26ـ قواعد اساسى كنوانسيون‌هاى ژنو 1949 و پروتكل‌هاى الحاقى، ص 54.

27ـ محمّدحسن نجفى، پيشين، ج 21، ص 75.

28ـ سنن ابن‌داود، ج 3، ص 52 / ابن هشام، سيره ابن هشام، ج 2، ص 453، به نقل از: عبّاسعلى عميدزنجانى، پيشين، ج 5، ص 176.

29ـ محمّدحسن نجفى، پيشين، ج 21، ص 76.

30ـ ر. ك. كميته ملّى حقوق بشردوستانه مترجم، رعايت حقوق بشردوستانه بين‌المللى، تهران، دبيرخانه كميته ملى حقوق بشردوستانه، 1383، ص 91ـ92 / دبيرخانه كميته ملّى حقوق بشردوستانه، قواعد اساسى كنوانسيون‌هاى ژنو 1949 و پروتكل‌هاى الحاقى، ص 65.

31ـ شيخ حرّ عاملى، پيشين، ج 15، ص 59، ب 15، ابواب «جهاد العدو»، ح 3.

32ـ ر. ك. سيد ابوالقاسم حسينى، پيشين، ص 121.

33ـ همان.

34ـ دبيرخانه كميته ملّى حقوق بشردوستانه، رعايت حقوق بشردوستانه بين‌المللى، ص 34.

35ـ علّامه حلّى، تذكرة الفقهاء، ج 9، ص 68.

36ـ محمّد ابراهيمى، اسلام و حقوق بين‌الملل عمومى، تهران، سمت، 1377، ج 2، ص 93.

37ـ همان، ج 2، ص 94.